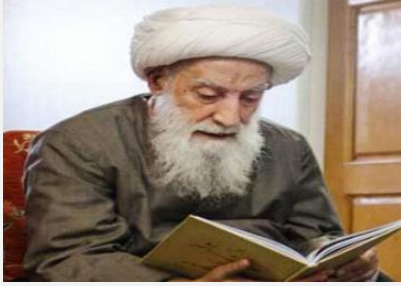


**خداترس بود**

آیت‌الله تبریزی شخصیتی بود که علما و مجتهدین بزرگی در محضرش تربیت یافتند. کانون درس او محل اجتهادپروری بود. از ویژگی‌های بارز او این بود که در شاگردانش عطش علم به وجود می‌آورد

آیت‌الله تبریزی شخصیتی بود که علما و مجتهدین بزرگی در محضرش تربیت یافتند. کانون درس او محل اجتهادپروری بود. از ویژگی‌های بارز او این بود که در شاگردانش عطش علم به وجود می‌آورد

کاظم تبریزی نخستین پسر خانواده‌ی آیت‌الله میرزا جواد تبریزی بعد از پنج فرزند دختر است؛ فرزندی که اکنون ریاست درمانگاه خیریه‌ی بقیه‌ی الله الاعظم قم را که پدرش راه‌اندازی کرده برعهده دارد. با او درباره‌ی ویژگی‌های شخصیتی پدر بزرگوارش گفت‌وگو کردیم.

آنچه در این گفت‌وگو می‌خوانید بخش‌هایی از خاطرات پسر میرزا جواد تبریزی است که پدرش یکی از مفاخر و فقهای نامدار شیعه، اکابر و متبحرین در علوم اسلامی و از ستون‌های فقهای و اجتهادی در فقه اسلامی بود.

وجودش برکات زیادی داشت. بسیار عابد، زاهد، اهل خشوع و تهجد بود و برای تحصیل علم و دانش مجدانه تلاش می‌کرد.

کاظم تبریزی معتقد است مرحوم پدرش بر تمام محبین اهل بیت و فضلا و طلاب حوزه حق دارد. مرحوم میرزا جواد تبریزی همزمان با طی مدارج علمی و سریع‌تر از آن مدارج معنوی و کمالات روحی را پیمود؛ تا آن‌جا که مصداق واقعی عالم ربانی شد.

گناه در زندگی‌اش معنا نداشت

ویژگی‌های مرحوم پدر را نمی‌توان خلاصه و به طور مجمل بیان کرد. محسنات اخلاقی فراوانی داشت که نه تنها خودش از آن‌ها بهره‌ی می‌برد بلکه کسانی که اطرافش بودند یا با او مأنوس بودند هم از آن لذت می‌بردند و تحت تاثیر قرار می‌گرفتند.

مرحوم ابوی از زمانی که خودش را شناخت خلق و خوئی را مدنظر گرفت که الهام گرفته از مکتب اهل بیت b بود.

درواقع آنچه شیعیان به آن توصیه شده بودند چراغ راه مرحوم میرزا بود. حرفی که همیشه آن را تکرار می‌کرد و واقعا عامل به آن بود خداترسی بود.

به تکالیف الهی اهمیت می‌داد. علاوه بر انجام تکالیف دینی به مستحبات هم اهمیت می‌داد و از مکروهات دوری می‌کرد. گناه در زندگی‌اش معنا نداشت.

اطرافیان‌ش ترس از خدا را در وجودش مشاهده می‌کردند. لذا خصوصیات بارز او خصوصیات بی‌گناه بود که اهل بیت بر آن تاکید داشتند.

خداترسی، تواضع، تقوا، فروتنی، ارزش دادن به دیگران، خدمت به دین و تربیت طلاب از خصوصیات بارز مرحوم میرزا جواد بود. در یک کلام ملکه‌ی خصوصیات خوب بود.

غرور به مقام و منزلت نداشت

تواضع و فروتنی مرحوم میرزا زبانزد بود. هیچ‌وقت طوری برخورد نکرد که احساس شود نسبت به مقام و منزلتش مغرور است.

فرقی نمی‌زند؛ کرد چه کسی پیش او می‌آید. طلبه‌ها؛ جوان، نوجوان، میانسال و پیر که می‌آیند؛ واقعا از فروتنی و تواضع پدر لذت می‌برند. اگر مدتی با کسی زندگی کنید طبیعی است که خلق و خو و صفات خوب او در شما اثر کند.

مرحوم میرزا مملو از صفات حمیده بود. هر کس به او نگاه می‌کرد واقعا لذت می‌برد. ما زندگی، خدانشناسی، محبت به اهل بیت، برخورد با خانواده و تربیت فرزندان را از پدر الگو گرفته‌ایم و زندگی‌مان مرهون از صفات والای اخلاقی اوست.

لذا هرچه فکر می‌کنم می‌بینم اگر صفات خوب داریم، بانی آن پدر بوده. در طول زندگی این الگوهای زیبا را به ما نشان داد و ما را شیفته‌ی الگوهای الهی کرد تا علاقه‌مند و عامل به آن شویم.

شیوه‌ی تربیتی پدر

مرحوم پدر برای آموختن احکام دینی به ما با صبر و تحمل عمل می‌کرد اما آن‌گونه نبود که از او حساب ببریم.

دو راه را مدنظر می‌گرفت: آن‌جا؛ که باید قاطعانه مسئله‌ای را گوشزد می‌کرد یا نیاز بود که با تندی و با بلند کردن صدا مسئله را برساند این کار را می‌کرد اما آن‌جا که به نرمش، صبر و تحمل و گذران وقت نیاز بود، مراعات می‌کرد و این نبود مگر الگوگیری از معصومین و با توجه به تبحر او در روایات، با خانواده مطابق با فرامینی برخورد می‌کرد که اهل بیت نسبت به ارتباط با اهل خانواده توصیه و تاکید داشتند.

وقف شده در علم

کار اصلی پدر مطالعه و درس و بحث بود. اوقات زندگی او طوری بود که درس و بحث و زیست علمی‌اش بخش عمده‌ی او از وقتش را می‌گرفت و بقیه‌ی اوقات را صرف اهل خانه می‌کرد.

زندگی پدر مملو از آموزه‌های مکتب اهل بیت بود. با این‌که بخش زیادی از عمرش صرف خدمت به تحقیق در حوزه‌ی دین شد اما بی‌توجه به ارتباطات خانوادگی نبود.

آن‌قدر دقت در امور داشت که آنچه را نیاز خانواده بود برطرف می‌کرد. رفتار با والده‌اش همیشه برای ما الگو بود.

با این‌که از تبریز به قم، از قم به نجف و از نجف هجرت کرد که مصادف با اواخر عمر مادربزرگم بود اما پدر هرچه در توان داشت برای خدمت به مادرش صرف کرد. رفتار مرحوم ابوی با مادربزرگم برای ما درس بود.

اسطوره‌ی اخلاق بود

رفتار او با فرزندان و خانواده هم براساس قاطعیت بود و هم نرمش. جایی که باید قاطعانه برخورد می‌کرد، چنین می‌کرد و البته روش‌های خودش را داشت و با لحنی نسبتا تند تذکر می‌داد تا اثر کند.

عاطفه‌ی پدر و پسری طوری بود که همیشه به پدرم نیاز داشتیم. چه در سخن گفتن و چه در امور زندگی.

گاهی پدر نشان می‌داد که ناراحت است و گاهی هم مرا نصیحت می‌کرد. اگر هم جایی نیاز بود که تندی کند برای این بود که آن کار با عمل ناپسند تکرار نشود.

هر روش تربیتی‌ای که داشت برای ما درس بود. گاهی اگر نیاز بود که نسبت به کاری فکر کنیم، این فرصت را می‌داد تا درباره‌ی آن فکر کنیم و گاهی اگر خلاقی واضح بود، قاطعانه در برابر آن می‌ایستاد. واقعا اسطوره‌ی اخلاق بود.

زندگی‌اش فرقی نکرد

همه؛ زندگی پدر برای من خاطره است. الان که میرزا در کنار ما نیست، می؛ بینیم چقدر در زندگی ما الگو بوده. یادم هست سال؛ها پیش تازه گلابی به بازار آمده بود.

قدری خریدم و به منزل بردم پدر سر سفره نشسته بود. میوه را شستم و سرسفره آوردم. پدر گفت این؛ها چیست؟ گفتم تازه به بازار آمده بود، که خریدم.

خیلی ناراحت شد و گفت مگر همه؛ مردم می؛توانند گلابی بخرند!

بردارم بیرون بخورم. من از این؛ها نمی؛خورم. بعد من را نصیحت کرد و گفت پسر من سعی کن روش زندگی؛ات طوری باشد که مثل مردم حرکت کنی.

آنچه مردم توانایی خرید آن را دارند همان؛ را بخر. این موارد را رعایت می؛کرد و قناعت داشت. خیلی وقت؛ها به طلبه؛ها می؛گفت ناهار بمانند و به همان آبگوشت آخوندی اکتفا می؛کرد. زندگی؛اش در زمان مرجعیت با زمانی که آخوند بود هیچ فرقی نکرد.

حوزه؛ مطالعاتی آیت؛الله

عمده؛ مطالعات مرحوم ابوی روی مباحث دینی و حوزوی بود. معمولا کتاب؛هایی در باب فقه، اصول و رجال جلوی او باز بود و غیر از این؛ها ندیدم کتاب دیگری را مطالعه کند.

اهل تماشای فیلم نبود و به هیچ عنوان فیلم تماشا نمی؛کرد. به اخبار گوش می؛داد. گاهی وقت؛ها به برنامه؛های مذهبی؛ای که روحانیون داشتند همان؛طور که در حال مطالعه بود گوش می؛داد.

یادم هست یک روز آمد و خیلی ناراحت بود. پرسیدم آقا چه شده؟ گفت دیروز در تلویزیون طلبه؛ای حدیثی خواند که عدالت امام حسین را زیر سوال برد. بروید به او زنگ بزنید و بگویید مسئله را اصلاح کند.

بارها شده بود که به ما می؛گفت تذکر بدهید که در رسانه؛ ملی این؛گونه کلام؛ها را نگویند. بیشتر اخبار گوش می؛داد و به حوادثی که در عالم رخ می؛داد آگاه بود و شاگردانش می؛دیدند چقدر واقف به مسائل عالم اسلام است.

منبع: همشهری آیه